





## معاونت پژوهش و فن آوری به نام خدا منشور اخلاق پژوهش

با یاری از خداوند سبحان و اعتقاد به این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظر به اهمیت جایگاه دانشگاه در اعتلای فرهنگ و تمدن بشری، ما دانشجویان و اعضاء هیئت علمی واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم:

۱- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از هرگونه پنهان سازی حقیقت.

۲- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهیدگان (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.

۳- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه همکاران پژوهش.

۴- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.

۵- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از هرگونه جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.

۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهادهای مرتبط با تحقیق.

۷- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب نقد و خودداری از هرگونه حرمت شکنی.

۸- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و اشاعه نتایج تحقیقات و انتقال آن به همکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.

۹- اصل برائت: التزام به برائت جویی از هرگونه رفتار غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به شائبه های غیرعلمی می آلاینند.



معاونت پژوهش و فن آوری  
به نام خدا  
تعهد اصالت رساله یا پایان نامه تحصیلی

اینجانب سید محمد طاهر علوی دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد در رشته روان شناسی تربیتی که در تاریخ ۱۳۹۲ / ۴ / ۲۳ از پایان نامه خود تحت عنوان " اثر بخشی آموزش مبتنی بر تفکر انتقادی بر خود کارآمدی و خود تنظیمی دانش آموزان دوره راهنمایی منطقه جره-بالاده" با کسب نمره ۱۷/۹۵ دفاع نموده ام؛ بدینوسیله متعهد می شوم:

- ۱) این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آنرا در فهرست مربوطه ذکر و درج کرده ام.
- ۲) این پایان نامه قبلاً برای هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
- ۳) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
- ۴) چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می پذیرم و دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء



**دانشگاه آزاد اسلامی**  
**واحد مرودشت**  
**دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه روان شناسی**

**پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A) در رشته روان شناسی تربیتی**

**عنوان:**

**اثربخشی آموزش مبتنی بر تفکر انتقادی بر خود کارآمدی و خود تنظیمی دانش آموزان دوره راهنمایی منطقه  
جره- بالاده**

**استاد راهنما:**

**دکتر سلطانهلی کاظمی**

**استاد مشاور:**

**دکتر حجت اله جاویدی**

**نگارش:**

**سید محمد طاهر علوی**

**تابستان ۱۳۹۲**



**صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد (M.A)**

نام و نام خانوادگی دانشجو: سید محمدطاهر علوی در تاریخ ۱۳۹۲/۴/۲۳

رشته: روان شناسی تربیتی

از پایان نامه خود با عنوان:

اثر بخشی آموزش مبتنی بر تفکر انتقادی بر خود کارآمدی و خود تنظیمی دانش آموزان دوره راهنمایی منطقه جره - بالاده

با درجه عالی و نمره ۱۷/۹۵ دفاع نموده است.

نام و نام خانوادگی اعضای هیات داوری سمت امضاء اعضای هیات داوری

۱- دکتر سلطانه علی کاظمی استاد راهنما

۲- دکتر حجت اله جاویدی استاد مشاور

۳- دکتر مجید برزگر استاد داور

مراتب فوق مورد تایید است.

مدیر/معاونت پژوهشی

مهر و امضاء

تقدیر و تشکر:

چگونه سپاس گویم مهربانی و لطف تو را که سرشار از عشق و یقین است. چگونه سپاس گویم تأثیر علم آموزی تو را که چراغ روشن هدایت را بر کلبه ی محقر وجودم فروزان ساخته است. آری در مقابل این همه ظمت و شکوه تو، مرا نه توان سپاس است و نه کلام وصف.

از اساتید با کمالات و شایسته؛ جناب آقای دکتر کاظمی و جناب آقای دکتر جاوید، که برایم زندگی؛ بودن و انسان بودن را معنا کردند و در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ ننمودند، نهایت تشکر و قدردانی را دارم.

تقدیم به:

روح پاک پدرم که عالمانه به من آموخت تا چگونه در عرصه زندگی، ایستادگی را  
تجربه نمایم

و به روح پاک مادرم، دریای بی کران فداکاری و عشق، که وجودم برایش همه رنج  
بود و وجودش برایم همه مهر

و همسر و فرزندانم مهسا و احسان، نشانه های لطف الهی و مایه امید در زندگی  
و برادران و خواهرانم همراهان همیشگی و پشتوانه های زندگی.

## فهرست مطالب

<u>عنوان</u>	<u>صفحه</u>
بسم الله الرحمن الرحيم.....	الف.....
منشور اخلاقی.....	ب.....
فرم تعهد اصالت پایان نامه.....	ج.....
طرح روی جلد به زبان فارسی.....	د.....
صورتجلسه دفاع از پایان نامه.....	ه.....
سپاسگزاری.....	و.....
تقدیم.....	ز.....
چکیده	

### فصل اول: کلیات تحقیق

مقدمه.....	۱.....
بیان مسئله.....	۵.....
اهمیت و ضرورت پژوهش.....	۷.....
اهداف پژوهش.....	۱۱.....
فرضیه های پژوهش.....	۱۱.....
تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها.....	۱۲.....

### فصل دوم: ادبیات و پیشینه تحقیق

الف - مبانی نظری.....	۱۵.....
خود تنظیمی.....	۱۵.....
دیدگاههای مربوط به خود تنظیمی.....	۱۸.....
نظریه آلبرت بندورا.....	۱۸.....
نظریه یادگیری خود تنظیمی تحصیلی بری جی زیمرمان.....	۲۲.....
تعریف یادگیری خود تنظیمی تحصیلی از نظر زیمرمان.....	۲۳.....
پیش فرضهای نظریه شناختی - اجتماعی یادگیری خود تنظیمی زیمرمان.....	۲۳.....
راهبردهای یادگیری خود تنظیمی و تعاریف آنها.....	۲۶.....



انواع یادگیری خود تنظیمی.....	۲۷
رابطه خود تنظیمی و خود کار آمدی.....	۲۹
خود کار آمدی.....	۲۹
مبانی نظری خود کار آمدی.....	۳۰
نقش خود کار آیی.....	۳۳
منابع خود کار آیی.....	۳۴
عوامل تأثیر گذار بر خود کار آمدی.....	۳۵
خود کار آمدی، یادگیری و پیشرفت.....	۳۷
همبستگی های آموزشی خود کار آمدی.....	۳۸
کاربرد پیش بینانه خود کار آمدی.....	۳۸
اثرات فعالیتهای آموزشی روی خود کار آمدی.....	۳۹
اثر خود کار آمدی بر کارکردهای روان شناختی.....	۴۰
رابطه خود کار آمدی و تفکر انتقادی.....	۴۲
تفکر انتقادی.....	۴۳
نظریات علمی موجود در رابطه با مسئله.....	۴۷
تفکر انتقادی در مقابل روش سنتی آموزش.....	۴۸
ویژگیهای تفکر انتقادی.....	۵۰
مهارتهای تفکر انتقادی.....	۵۱
عوامل بستر ساز تفکر انتقادی.....	۵۲
ابعاد و آثار و نوع فعالیت متفکران انتقادی.....	۵۳
نگاهی به روش تدریس مبتنی بر تفکر انتقادی.....	۵۵
استفاده از نظریه پیازه برای پرورش تفکر انتقادی.....	۵۶
فراهم کردن فرصت و موقعیت مناسب برای تفکر انتقادی.....	۵۷
مراحل اجرای روش تدریس مبتنی بر تفکر انتقادی.....	۵۹
ب- پیشینه تحقیق.....	۶۰
خلاصه و جمع بندی.....	۶۹

**فصل سوم: روش تحقیق**

روش تحقیق	۷۱
جامعه آماری	۷۱
روش نمونه گیری	۷۲
روش جمع آوری داده ها	۷۳
شیوه اجرا	۷۵
متغیرهای پژوهش	۷۶
روش تجزیه تحلیل اطلاعات	۷۷
ملاحظات اخلاقی	۷۸

**فصل چهارم: یافته های پژوهش**

یافته های توصیفی	۷۹
یافته های استنباطی	۸۱

**فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری**

خلاصه پژوهش	۸۵
بحث و نتیجه گیری	۸۶
دستاوردهای اصلی پژوهش	۹۲
محدودیتهای پژوهش	۹۲
پیشنهادهای پژوهش	۹۳
<b>فهرست منابع</b>	۹۴

## فهرست جدول ها

<u>عنوان</u>	<u>صفحه</u>
جدول ۱-۲: خود کارآمدی، یادگیری و پیشرفت	۳۸
جدول ۱-۳: توزیع فراوانی جنسیت	۷۲
جدول ۲-۳: توزیع فراوانی گروه های کنترل و آزمایش	۷۲
جدول ۳-۳: نتایج و ضرایب آلفای کرونباخ کل مقیاس خودکارآمدی و سه عامل مربوط	۷۴
جدول ۱-۴: میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمرات خود کارآمدی گروههای آزمایش و کنترل در پیش آزمون و پس آزمون	۷۹
جدول ۲-۴: میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمرات خود تنظیمی گروههای آزمایش و کنترل در پیش آزمون و پس آزمون	۸۰
جدول ۳-۴: میانگین و انحراف معیار نمرات خود کار آمدی و خود تنظیمی دانش آموزان گروه آزمایش و کنترل به تفکیک جنسیت در پیش آزمون و پس آزمون	۸۰
جدول ۴-۴: نتایج تحلیل کوواریانس روی میانگین نمره های پس آزمون خود کارآمدی دانش آموزان گروههای آزمایش و کنترل با کنترل پیش آزمون	۸۱
جدول ۵-۴: نتایج تحلیل کوواریانس روی میانگین نمره های پس آزمون خود تنظیمی دانش آموزان گروههای آزمایش و کنترل با کنترل پیش آزمون	۸۲
جدول ۶-۴: نتایج تحلیل کوواریانس نمرات پیش آزمون و پس آزمون خود کارآمدی دانش آموزان دختر و پسر، با متغیر تعدیل کننده جنسیت	۸۳
جدول ۷-۴: نتایج تحلیل کوواریانس نمرات پیش آزمون و پس آزمون خود تنظیمی دانش آموزان دختر و پسر، با متغیر تعدیل کننده جنسیت	۸۴

## فهرست نمودارها

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱۷.....	نمودار ۱-۲: الگوی نظریه یادگیری پتتریچ و دی گروت
۲۴.....	نمودار ۲-۲: الگوی سه جانبه یادگیری خود تنظیمی

## پیوست ها

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
I.....	پرسشنامه ها.....
III.....	داده های خام آماری.....
	چکیده انگلیسی
	طرح روی جلد به زبان انگلیسی

## چکیده

پژوهش حاضر به دنبال تبیین اثر بخشی آموزش مبتنی بر تفکر انتقادی بر خود کارآمدی و خود تنظیمی دانش آموزان بود. پژوهش به صورت شبه آزمایشی از نوع پیش آزمون- پس آزمون همراه با گروه کنترل بود. جامعه آماری، دانش آموزان ۴ مدرسه راهنمایی از مدارس راهنمایی منطقه جره - بالاده (۲ مدرسه پسرانه و ۲ مدرسه دخترانه) بود، که در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ مشغول به تحصیل بودند. از هر مدرسه یک کلاس به روش تصادفی انتخاب شد، و چهار کلاس انتخاب شده به طور تصادفی به عنوان گروههای کنترل و آزمایش برگزیده شدند. پس از اجرای پیش آزمون با پرسشنامه خود کارآمدی عمومی شرر و خود تنظیمی بوفارد بر روی همه گروهها، گروه های آزمایش طی ۸ جلسه ۹۰ دقیقه ای در مدت زمان ۴ هفته تحت آموزش، به صورت آموزش مبتنی بر تفکر انتقادی در درس علوم راهنمایی قرار گرفتند. پس از اتمام آموزش، پس آزمون روی همه گروهها اجرا شد و داده ها مورد تحلیل آماری قرار گرفت. نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد که آموزش مبتنی بر تفکر انتقادی بر خود کارآمدی و خود تنظیمی گروه آزمایش تأثیر معنا دار داشته است. افزون بر این نتایج نشان داد که بین دختران و پسران، در تأثیر آموزش مبتنی بر تفکر انتقادی بر خود کارآمدی و خود تنظیمی، تفاوت معنا داری وجود ندارد.

واژه های کلیدی: تفکر انتقادی<sup>۱</sup>، خود کارآمدی<sup>۲</sup>، خود تنظیمی<sup>۳</sup>

## فصل اول

### کلیات تحقیق

#### مقدمه

هدف از آموزش و پرورش ارتقای یادگیری است، به گونه ای که بر پایه چهار ستون یادگیری برای دانستن، انجام دادن، با هم زیستن و زیستن استوار است. در تحقق این هدف، یعنی ارتقای یادگیری، هر یک از عناصر نظام آموزش و پرورش نقش ویژه ای بر عهده دارند. از این میان، نقش روشهای آموزش که به وسیله معلم در کلاس درس به اجرا گذاشته می شود، از اهمیت خاصی برخوردار است. بنابراین روشهای آموزش باید به گونه ای سازماندهی شود که دانش آموزان را برای زندگی در جامعه ای که به سرعت در حال تغییر است آماده کند. رویکرد یادگیری دانش آموز محور، فرصت یادگیری از طریق عمل را برای دانش آموزان در زمینه موضوع های مورد علاقه شان به گونه ای فراهم می کند که به رشد مهارت های زندگی آنان منجر شود؛ دانش آموزان به خود کار آمدی و خود تنظیمی دست یابند و علاوه بر کسب تعداد زیادی از مهارت های زندگی بتوانند به تولید دانش و استفاده از تفکر، برای معنا بخشیدن به آنچه آموخته اند و عمل به آن در کلاس درس و خارج از آن مبادرت ورزند.

یادگیری خود تنظیمی به معنای ظرفیت فرد برای تعدیل رفتار متناسب با شرایط و تغییرات محیط بیرونی و درونی است و شامل توانایی فرد در سازمان‌دهی و خود مدیریتی رفتارهایش جهت رسیدن به اهداف گوناگون یادگیری است.

نظریه و تحقیق بر روی یادگیری علمی خود تنظیمی اواسط دهه ۱۹۸۰ در پاسخ به این سؤال که، «دانش آموزان چگونه بر فرایندهای یادگیری خودشان مسلط می‌شوند؟»، مطرح شد. در واقع از دهه ۱۹۸۰ به بعد، یادگیری خود تنظیمی به عنوان راهبردی نو برای کمک به دانش آموزان به منظور تسلط بر فرایندهای یادگیری و به طور کلی بهبود کیفیت یادگیری، مورد توجه روان‌شناسان، مشاوران و متخصصان تعلیم و تربیت قرار گرفت.

خود تنظیمی یک فرایند خود هدایتی است که از طریق آن یادگیرندگان توانایی ذهنی شان را به مهارت‌های علمی مرتبط به تکلیف تبدیل می‌کنند. تحقیقات نشان داده است که دانش آموزان خود تنظیمی گر، از لحاظ تحصیلی به مراتب برتر از سایر دانش آموزانی هستند که یادگیریشان خود تنظیمی گرایانه نیست (پنتریچ و دی گروت<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰؛ زیمرمان و پونز، ۱۹۸۶). نتایج مشابهی نیز در مورد نقش خود تنظیمی در موفقیت تحصیلی به دست آمده است. زیمرمان و پونز<sup>۲</sup> (۱۹۸۶) نشان داده اند که دانش آموزان سرآمد، نه تنها در موقعیتهای یادگیری خاص از راهبردهای خود تنظیمی بیشتری استفاده می‌کنند؛ بلکه، آن‌ها را با همسانی بیشتری به کار می‌برند. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بین خود تنظیمی و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معنا دار وجود دارد. پژوهشگران معتقدند که استفاده دانش آموزان از راهبردهای خود تنظیمی، خود کارآمدی آنان را افزایش می‌دهد و باعث ارتقای یادگیری آنها می‌شود.

بندورا معتقد است که خود تنظیمی واقعی، متأثر از دو مکانیسم اضافی است: خود کارآمدی و انتخاب هدف<sup>۳</sup>. خود کارآمدی زمانی بر عملکرد تأثیر می‌گذارد که شخص مهارت‌های مورد لزوم برای انجام یک تکلیف را دارا باشد و برای عمل طبق عقیده خود کارآمدی خویش، به طور کلی برانگیخته شود.

بسیاری از رفتارهای دانش آموزان با مکانیزم‌های نفوذ بر خود، برانگیخته و کنترل می‌شوند. که یکی از این مکانیزم‌ها خود کارآمدی است. خود کارآمدی به باور دانش آموز درباره تواناییهای خود برای فهمیدن یا انجام دادن تکالیف درسی دلالت دارد (هرگنهان و السون<sup>۴</sup> ۲۰۰۱، ترجمه سیف، ۱۳۹۰). تأثیر عظیم خود کارآمدی به حدی است که به استناد پژوهش‌های متعدد از جمله پاجارس و میلر<sup>۵</sup> (۱۹۹۷)، پاجارس و گراهام<sup>۶</sup> (۱۹۹۹)، کبیری (۱۳۸۲) می‌تواند در پیش بینی عملکرد تحصیلی<sup>۷</sup> در سطوح مختلف تحصیلی نقشی مؤثر ایفا کند. پژوهش‌های عبدی نیا (۱۳۷۷) نشان می‌دهد، خود کارآمدی با سطوح بالای بهره

---

۱ - Pintrich & Degroot  
۲ - Zimmerman & Pones  
۳ - goal setting  
۴ - Hergenhahn & Olson  
۵ - Pajares & Miller  
۶ - Graham  
۷ - academic performance

گیری از راهبردهای شناختی و فرا شناختی و همچنین درگیری و پایداری در انجام تکالیف درسی مرتبط است.

اگرچه نظریه پردازان شناختی اجتماعی بر اهمیت یادگیری در درک رفتار انسان تاکید دارند ولی آنها از نظریه سنتی یادگیری و تقویت فاصله گرفته بر اهمیت فرآیندهای شناختی تاکید می کنند. بندورا به ویژه بر اهمیت ادراک فرد از خود کارآمدی به عنوان میانجی شناختی عمل انسان تاکید دارد. خودکارآمدی به ارزشیابیهای شخصی افراد از قابلیت های عملکرد بر روی تکلیف یا مسائل خاص اشاره می کند (بندورا، ۱۹۸۲). خودکارآمدی ادراک شده می تواند در زمینه های پیشرفت بر روی رفتار اثر بگذارد. حل یک مساله یا با موفقیت کامل کردن یک تکلیف تجربه هیجانی مثبتی را ایجاد می کند که به نوبه خود تمایل به درگیری در تلاشهای در حد تسلط را برای آینده در فرد ایجاد می کند.

مفهوم خود کارآمدی بندورا در زمینه های بسیاری از جمله در مسائل آموزشی و تحصیلی به کار گرفته شده و پژوهشهای زیادی در مورد آن صورت گرفته است. باورهای خود کارآمدی بر روی رفتار و افکار و انگیزه فراگیران در حین کار بر روی تکالیف تاثیر دارد. فراگیرانی که اطمینان ندارند که در تکمیل یک تکلیف شایستگی دارند و آنهایی که اعتقاد ندارند تمرین و تلاش به موفقیت منتهی خواهد شد، اغلب مضطرب شده و احساس عدم شایستگی می کنند. برعکس فراگیرانی که به شایستگی های خود باور دارند می توانند بر روی راهبردهای حل مساله تمرکز داشته باشند (اسلاوین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱).

از رویکردهای مؤثر بر خود کارآمدی و خود تنظیمی دانش آموزان، توجه به روشهای نوین تدریس در فرایند آموزش و یادگیری است. در دهه های گذشته روشها و الگوهای جدیدی برای تدریس پدید آمده است که کارایی و بازده بسیار بیشتری از روشهای سنتی تدریس دارد و در پرورش اندیشیدن ردپای بسیار خوبی بر جای گذاشته است. الگوهای فعال تدریس موجب، تقویت توانایی ذهنی شاگردان، افزایش انگیزه درونی فراگیران، ارتقاء خلاقیت آنان و افزایش توانایی حل مساله و یادگیری بهتر می گردد.

یک معلم موثر باید گنجینه ای از الگوها و روشهای تدریس مختلف داشته تا به هنگام ضرورت و بر حسب نوع درس و شرایط تدریس یک یا برخی از آنها را به کارگیرد. و با بهره گیری از انواع الگوهای فعال تدریس موجبات کسب مهارتهای لازم زندگی را در دانش آموزان، به عنوان شهروندان آینده ی این دهکده ی جهانی به وجود آورد.

پیشرفت سریع علوم و تکنولوژی، بشر امروز را در جمع آوری و طبقه بندی یافته های علمی ناتوان ساخته است. زیرا پیشرفت علم در یک روز گاه معادل یک صد سال در قرون گذشته می باشد و طبیعی است. که آموزش سنتی برای انتقال علم با چنین پیشرفت سریعی ناتوان است. برای رویارویی با انبوه چالشهای هزاره ی سوم، هزاره دانایی، و برای رسیدن به ارکان تعلیم و تربیت در قرن بیست و یکم، نیاز به

---

۱ - Slavin



معلمان اثربخش و آشنا و آگاه بر انواع الگوهای تدریس است که با بهره گیری از الگوها و روشهای تدریس موثر موجبات حفظ پویایی و تکامل را در فراگیران ایجاد نماید و به آنان در تجزیه و تحلیل و بازسازی تجاربشان کمک نمایند.

بنابراین، به نظر می‌رسد که یکی از راههای بالا بردن توان و کیفیت یادگیری دانش‌آموزان و در نتیجه افزایش خود کارآمدی و خود تنظیمی آنها، آموزش روشهای فعال تدریس است. یکی از این روشها، آموزش مبتنی بر تفکر انتقادی است. تفکر انتقادی به عنوان یکی از مهارتهای اساسی تفکر و از ضروریات مهم جامعه مشارکتی و مدنی به شمار می‌آید. تفکر از ارکان اصلی آموزش و پرورش می‌باشد و تفکر انتقادی نیز به عنوان یکی از انواع تفکر و به دلیل ویژگی‌های خاصی که دارد از جایگاه ممتازی برخوردار است؛ اهمیت این مسأله تا آنجاست که برخی از صاحب‌نظران، پیشرفت بشر در عرصه‌های گوناگون علمی را مدیون تفکر انتقادی می‌دانند و حتی معتقدند که پرورش تفکر انتقادی، هدف اساسی تعلیم و تربیت است. پرورش تفکر انتقادی یکی از هدفهایی است که به یک ماده درسی به تنهایی مربوط نمی‌شود، بلکه هر تعلیم و تربیتی با این هدف ارتباط دارد و محتوا به عنوان وسیله دستیابی به هدف آموزش و پرورش باید از وسعت لازم برخوردار باشد، یعنی مفاهیم، مهارتها و نگرشها باید طوری انتخاب شود که با اهداف اساسی سنخیت داشته باشد. اهداف تربیتی، پرورش انسان کاوشگر، نقاد و فعال از جمله اهدافی هستند که توسط همه دروس دوره راهنمایی باید تحقق یابند.

در سال‌های اخیر نیز روان‌شناسان پرورشی و دیگر صاحب‌نظران، از تأکید زیاد بر انتقال صرف دانش و اطلاعات به دانش‌آموز انتقاد کرده و در عوض، معلمان را بیش از همیشه به پرورش مهارتهای اندیشیدن و تفکر یادگیرندگان سفارش کرده‌اند (سیف، ۱۳۸۴). تربیت افرادی که بتوانند مستقلاً در کارهایشان تصمیم بگیرند و قدرت پیش‌بینی و آینده‌نگری داشته باشند و مسئولیت موفقیتها و شکستهای خود را بپذیرند و در بزرگسالی آدماهای مسئولی باشند، هموار گردد.

با توجه به اهمیت این موضوع، پژوهشگر نیز در این پژوهش در پی تبیین اثر بخشی آموزش مبتنی بر تفکر انتقادی بر خود کارآمدی و خود تنظیمی دانش‌آموزان دوره راهنمایی است.

## بیان مسئله

خود تنظیمی، پیامدهای ارزشمندی در فرآیند یادگیری، آموزش و حتی موفقیت زندگی دارد و یکی از مفاهیم مطرح در تربیت معاصر است. سازگاری و موفقیت در مدرسه مستلزم آن است که دانش‌آموزان با توسعه خود تنظیمی یا فرآیندهای مشابه، شناخت، عواطف یا رفتارهای خود را گسترش داده و تقویت کنند تا بدین وسیله بتوانند به اهدافشان برسند. منظور از خود تنظیمی این است که دانش‌آموزان مهارت‌هایی برای طراحی، کنترل و هدایت یادگیری خود دارند و به یادگیری تمایل دارند تا کل فرایند یادگیری را ارزیابی کرده و به آن بیندیشند.

یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که بسیاری از دانش‌آموزانی که می‌توانند جنبه‌های شناختی، انگیزشی و رفتاری عملکرد تحصیلی خود را تنظیم و کنترل کنند، به عنوان یک یادگیرنده بسیار موفق بوده‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که یادگیری خود تنظیمی پیش‌بینی‌کننده عملکرد تحصیلی است و یادگیرندگان برای دستیابی به موفقیت تحصیلی، باید یاد بگیرند که چگونه عملکرد خود را تنظیم کنند و اهداف خود را به رغم مشکل بودن تکالیف درسی، حفظ کنند (پتتریچ و زوشو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷؛ شانک و زیمرمن، ۲۰۰۶؛ به نقل از بمبوتی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸). باورهای انگیزشی مختلف از قبیل باورهای خود کارآمدی، به ارتقاء و تداوم خود نظم بخشی در دانش‌آموز منجر می‌شود. دانش‌آموزانی که باور دارند می‌توانند یاد بگیرند و به مهارت‌هایشان اعتماد دارند، از راهبردهای خود تنظیمی بیشتری استفاده می‌کنند.

بندورا (۱۹۸۶)، بر این باور بود که خود کارآمدی یکی از مهمترین عوامل تنظیم رفتار انسان است. و در بین افکار خود ارجاعی که بر انگیزه، احساس و عملکرد انسانها تاثیر می‌گذارد، اثر هیچ چیزی فراگیرتر از قضاوت افراد در مورد کارآمدی آنها نمی‌باشد. دریافت خود کارآمدی با توانایی افراد برای کاربرد شیوه‌هایی که به آنها کنترل بر رویدادهایی که بر زندگی شان اثر می‌گذارد مربوط است. عقاید خود کارآمدی شکل دهنده‌ی پایه و اساس عملکرد افراد است. افرادی که معتقدند می‌توانند نتایج مطلوب را توسط فعالیتشان ایجاد کنند، برای دنبال کردن کارها در صورت برخورد با مشکلات دلگرمی دارند (پروین و جان، ۲۰۰۱). کارایی شخصی زیاد، ترس از شکست را کاهش می‌دهد، سطح آرزوها را بالا می‌برد و توانایی مسأله‌گشایی و تفکر تحلیلی را بهبود می‌بخشد (شولتز و شولتز<sup>۳</sup>، ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۳).

در پاسخ به تغییرات کنونی در محیطهای آموزشی، محیطهای غنی از اطلاعات کنونی، منبع عظیمی از اطلاعات هستند که می‌توانند به دانش‌آموزان در جستجوی اطلاعات از منابع گوناگون، تفکر منتقدانه

---

۱ - Zusho  
۲ - Bembenutty  
۳ - Shoolts & Shoolts

نسبت به آنچه یافته اند و انتخاب دانش همخوان کمک کند. این ویژگی هر یاد گیرنده خود کارآمد و خود گردان است که افکار خود تولید شده را به طور منظم برای رسیدن به اهداف مورد نظر به کار گیرد. نظریه های شناختی، فرا شناختی و ساخت گرایی از پرورش تفکر انتقادی در فرایند آموزش حمایت می کنند و معتقدند مجریان برنامه های درسی باید موقعیتی فراهم سازند که شاگردان از طریق مباحثه استدلالی که عمل تعامل و تحلیل را تسریع و تسهیل می کنند، به تفکر انتقادی بپردازند. پیش از این معلم بود که نحوه تدریس را مشخص می کرد، ولی امروزه نظر بر آن است که روش تدریس باید با نحوه یادگیری فرد آموزنده همخوان باشد. تبعیت نکردن از این اصل به معنای غفلت کردن از امکاناتی است که معلم بر پایه آنها می تواند به غنی سازی فرایند های یاد دهی و یادگیری بپردازد.

روشهای تدریس موجود در دوره راهنمایی منطقه مورد پژوهش، بیشتر انتقال اطلاعات است و در برنامه مدارس نیز تأکید زیادی بر خود تنظیمی و خود کارآمدی دانش آموزان نمی شود، و روشهایی که از طریق آنها دانش آموزان قابلیت های چگونه آموختن را از طریق نظم فکری بیاموزند و در زندگی روزمره به کار بندند کمتر وجود دارد. نقش محیط های آموزشی این منطقه در این دوره تحصیلی و روش حاکم بر آن، به صورتی سازماندهی شده است که دانش آموزان به جای اینکه با مسائل زندگی واقعی رو برو شوند، به ذخیره سازی حقایق علمی می پردازند.

بنابراین، پژوهشگر نیز در این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که: آیا آموزش مبتنی بر تفکر انتقادی بر خود کارآمدی و خود تنظیمی دانش آموزان مؤثر است؟

## اهمیت و ضرورت پژوهش

در سالهای اخیر به شکل فزاینده ای اهمیت تعلیم و تربیت انسان آشکارتر شده است. انسانهای عصر حاضر بخش عمده ای از زندگی خویش را به عنوان یک یادگیرنده در مراکز آموزشی و تحصیلی به سر می برند و این موجب صرف مبالغ عظیمی در زمینه آموزش و پرورش می شود. بدیهی است شناسائی عوامل موثر در یادگیری و راههای بهبود آن از دغدغه های متخصصین تعلیم و تربیت بوده است. تعلیم و تربیت آدمی، امری پردامنه، پیچیده و وقت گیر و در عین حال پر ثمرترین دستاورد انسان می باشد که همکاری نهادهای مختلف، و افراد متعدد و هماهنگی همه فعالیت‌های مربوطه را ایجاب می کند. ارزش تعلیم و تربیت آدمی و زیانهایی که بر اثر فقدان یا نقصان آن دامنگیر فرد و جامعه می شود از سویی، و احتمال انحراف آن از مسیر صحیح در مدت طولانی رشد کودک از سویی دیگر، ایجاب می کند که فعالیت‌های مربوطه، مورد توجه خاص و مداوم قرار گیرد و تدابیر مربوط به اداره و هدایت آن، با دور اندیشی و آینده نگری هر چه تمام تر اتخاذ گردد؛ علاوه بر این متخصصین در جستجوی راه هایی هستند که به کمک آن نه تنها دانش آموزان مطالب ارائه شده در آموزشگاه را بفهمند بلکه در امور تحصیلی خود انگیزخته، فعال و علاقه مند باشند و پیشرفت تحصیلی قابل توجهی کسب نمایند.

بر خلاف گذشته که تصور می شد توانایی یادگیری هر فرد تابعی از میزان هوش و استعداد‌های اوست، در چند سال اخیر این نظریه در میان روان شناسان قوت گرفته است که با وجود نقش تعیین کننده عوامل ذاتی هوش و استعداد در یادگیری، عوامل غیر ذاتی دیگری نیز در این رابطه مهم قلمداد می شوند. روان شناسان تربیتی بر این اعتقادند که چنانچه دانش آموزان بتوانند در جهت یادگیری مؤثرتر، فرایند های خود گردانی را به کار گیرند همه آنها می توانند یاد گیرندگانی هوشمند شوند. یادگیری خود تنظیم به عنوان رفتار خود مهارگری فعال، هدف گرا، با مفهومی انگیزشی و شناختی، برای انجام و تکمیل تکالیف تحصیلی توسط یک دانش آموز تعریف می شود.

فرآیند خود تنظیمی در یادگیری به دنبال فعال نمودن یاد گیرنده و پذیرفتن مسئولیت از طرف وی نسبت به مسائل روزمره آموزشی خود می باشد. همچنین شاخصهای خود تنظیمی با خود کارآمدی، به ویژه استفاده از راهبردهای یادگیری مؤثر مرتبط است. خود کار آمدی و خود تنظیمی به طور مثبتی با پیشرفت ارتباط درونی داشته و پیشرفت را پیش بینی می کنند.

از نظر بندورا، خود کارآمدی؛ توانایی ادراک شده فرد را در انجام یک عمل دلخواه یا کنار آمدن با یک موقعیت خاص، محوری ترین مکانیزم از مکانیزمهای روانی آدمی است (بندورا، ۲۰۰۱). بندورا خود کار آمدی را اساس عمل انسان می داند و اعتقاد دارد انسانهای خود کارآمد، مبتکر، ژرف اندیش و خود